

Research Article

A Study of the Reasons for the Success of Coleman Barks' Translations of Rumi's Poems in the United States and the Spiritual Connection of Those Translations with the Original Text

Ali Mohammadi^{1*}, Fatemeh Saeedi²

Abstract

The recent acquaintance of Western societies, especially America, with Rumi and his poems, must have been due to Coleman Barks' translations; A translator who got acquainted with Rumi in 1976 by his friend Robert Bly for the first time.

Coleman Barks translated Rumi's poems, while he had no acquaintance with Persian language and literature. He re-translated those poems using previous translations by Arbery and Nicholson.

In response to the main question of this research, which seeks the reasons for the success of Coleman Barks' translations, we having studied on a number of Bark's translations which are selected among Barks' various books and comparing those with the original text. Eventually with the help of Andre Lefevre's theory we analyzed those translations, and finally, the reasons are as follow:

1. The need of modern American society and readers for the human, universal, and boundless concepts that have manifested themselves in Rumi's poetry as mysticism.
2. Barks' clever choice of Rumi, among other Eastern poets, because in Rumi's poetry, themes and ideas is deep and astonishing, and has the potential to be reduced to today's paradigms.
3. The style he uses in translating these poems, which is the free style of American poetry, is based on the translation pattern of Andre Lefrvre.

Keywords: Rumi, Coleman Barks, Translation, Mathnawi, Ghazaliyat-e Shams

1. Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

2. MA. in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

How to Cite: Mohammadi A, Saedi F., A Study of the Reasons for the Success of Coleman Barks' Translations of Rumi's Poems in the United States and the Spiritual Connection of Those Translations with the Original Text, *Journal of Comparative Literature Studies*, 2024;18(70):93-112.

مقاله پژوهشی

بررسی دلایل موفقیت ترجمه‌های کلمن بارکس در آمریکا از آثار مولوی و ارتباط معنوی آن ترجمه‌ها با متن اصلی

علی محمدی^۱، فاطمه سعیدی^۲

چکیده

آشنایی اخیر جوامع غربی، خاصه امریکاییان با مولانا و اشعار او، مدیون ترجمه‌های کلمن بارکس، باید بوده باشد! مترجمی که نخستین بار در سال ۱۹۷۶، به همت دوست خود یعنی رابرت بلاي، با مولانا و اشعار او آشنا شد. کلمن بارکس در حالی دست به ترجمه اشعار مولانا زد که کوچکترین آشنایی‌ای با زبان و ادبیات فارسی نداشت و با استفاده از ترجمه‌های پیشین که توسط آربری و نیکلسن انجام گرفته بود، به ترجمه دوباره این اشعار پرداخت و سبب شد تا اشعار شاعری مسلمان از دیار شرق، صدرنشین کتاب‌های پرفروش در آمریکا باشد. در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش که در پی یافتن سبب‌های موفقیت ترجمه‌های کلمن بارکس در آمریکا از آثار مولانا و ارتباط معنوی آن ترجمه‌ها با متن اصلی است؛ بررسی تعدادی از ترجمه‌های بارکس، از کتاب‌های مختلف او، با کمک نظریه آندره لفور، نظریه پرداز حوزه ترجمه، با توجه به روش توصیفی و تحلیلی و با مقایسه آن ترجمه‌ها با متن اصلی این موضوع که اینک اهمیت جهانی یافته است، به بحث و بررسی گذاشته شد.

واژگان کلیدی: مولانا، کلمن بارکس، ترجمه، مثنوی، غزلیات شمس

۱. استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

۲. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

مقدمه

آثار کلاسیک فارسی که با شاهکارهای نوابغ ادبی چون سعیدی، حافظ، خیام و مولانا، شناخته می‌شوند، همواره مورد توجه غیرفارسی‌زبانان، بوده‌اند و از دیرباز شیفتگان این آثار از رهگذر ترجمه، در معرفی این بزرگان و جان‌کلامشان به جهانیان کوشیده‌اند.

ترجمه آثار کلاسیک فارسی همواره با دشواری همراه بوده است، خاصه متون نظم که به دلیل ظرافت‌های معنایی، گاهی حتی ترجمه‌ناپذیر قلمداد گشته‌اند. اگرچه مترجمی با ذوق شاعرانه و تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، سعی در انتقال دقیق مفاهیم داشته باشد؛ اما تفاوت در ظرفیت‌های زبانی و ادبی زبان مبدأ و مقصد، مانع از انجام ترجمه دقیق اثر بوده است؛ با وجود این، این آثار باید در اختیار خوانندگان مشتاق و علاقه‌مند به ادبیات فارسی قرار بگیرند، خاصه اشعار شاعری چون مولانا که با گذشت قرن‌ها، هنوز هم حاوی آموزه‌هایی است که در زندگی انسان امروز قابل استفاده و خواندنی است.

اشعار مولانا، پیش از آن که مسئله ترجمه و رواج آنها در کشور آمریکا مطرح گردد، به زبان‌های دیگری، ترجمه شده بودند؛ اما شهرت سال‌های اخیر مولانا، در کشورهای غربی، به ویژه کشور پهناور و پرآوازه آمریکا، مدیون ترجمه‌های کلن بارکس (Coleman Barks) بوده است. مترجمی که با زبان فارسی بیگانه بوده و ترجمه‌هایش بر اساس ترجمه‌های پیشین، یعنی ترجمه‌های رینولد نیکلسن (Reynold A. Nicholson) (۱۸۶۸-۱۹۴۵) و آرتور آربری (Arthur John Arberry) (۱۹۶۹-۱۹۰۵)، صورت گرفته است. از آنجا که بارکس با زبان فارسی آشنایی نداشت، آغاز کار و همکاری‌اش با زبان‌شناسی ایرانی به نام جان موین (John Moyne) (جواد معین) بود. او بود که ترجمه‌های فارسی به انگلیسی اشعار مولانا را در اختیار بارکس گذاشت. ترجمه‌هایی که بیش از نیم‌میلیون نسخه در جهان فروش داشت. اما، آشنایی عمیق‌تر بارکس با مولانا هنگامی بود که در سال ۱۹۷۶، رابرت بلائی دوست بارکس، ترجمه‌های آربری را به وی نشان داد و ضمن یادآوری این که این اشعار باید از قفس خود رها شوند، انگیزه اولیه را در بارکس به منظور ترجمه دوباره این اشعار ایجاد نمود و پس از آن بارکس به ترجمه اشعار و انتشار آنها همت گمارد.

الگوی ترجمه آندره لِفور

آندره آلفون لِفور (André Lefevere) (۱۹۹۶-۱۹۴۵) نظریه‌پرداز حوزه ترجمه، است که در دانشگاه گنت بلژیک به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۷۲ در دانشگاه اسکس، دکترا گرفت؛ اما هنگامی که او به علت سرطان خون حاد درگذشت، استاد مطالعات آلمانی در دانشگاه تگزاس در آستین، بود.

آثار و پژوهش‌های او بیشتر در حوزه مطالعات ترجمه و ادبیات تطبیقی بوده است. لِفور در کتاب «ترجمه، تاریخ، فرهنگ، کتاب مرجع» (Book Source A: Culture, and History, Translation, 1992)، چنین گفت که خواننده هر اثر است که سرنوشت ترجمه را مشخص می‌کند. همچنین، این نظر برجسته اوست که هر گروه از مخاطبان، به ترجمه باب سلیقه خود نیاز دارند و این هنر مترجم است که به سلیقه مخاطبان

خود احترام بگذارد؛ این در واقع همان نکته‌ای است که در ترجمه‌های کلمن بارکس مشهود بوده و همین توجه به سلیقه مخاطبان است که کتاب او را به پرفروش‌ترین کتاب شعر آمریکا تبدیل کرده است.

یکی از الگوهای مهمی که به بررسی ترجمه شعر پرداخته است، الگوی هفت فن لفور می‌باشد. آندره لفور در کتاب خود، تحت عنوان «ترجمه شعر: هفت راهبرد و یک طرح»، به معرفی الگوهایی برای ترجمه شعر می‌پردازد آن هفت الگوی ترجمه، عبارتند از:

۱. ترجمه آوایی (Phonemic translation): ترجمه آوایی در بازسازی ریشه‌شناختی واژه‌های مرتبط به یکدیگر و بازسازی نام آواها کارآمد است، اما معنی را از بین می‌برد.

۲. ترجمه تحت‌اللفظی (Literal translation): ترجمه تحت‌اللفظی محتوای معنایی را ممکن است برساند، اما به قیمت توضیحات اضافی و فداکردن ارزش ادبی، سامان می‌یابد.

۳. ترجمه موزون (Metrical translation): ترجمه وزنی وزن را نگه می‌دارد، اما معنی و نحو را دگرگون می‌کند.

۴. ترجمه شعر به نثر (Prose into poetry)، ترجمه نثری معنی را دگرگون نمی‌کند، اما طنین شاعرانه را از آن می‌ستاند.

۵. ترجمه مقفا (Rhymed translation)، ترجمه قافیه‌دار آن چنان زیر فشار محدودیت‌ها قرار می‌گیرد که واژه‌ها معنای دیگری به خود می‌گیرند و حاصل کار، متنی خسته‌کننده، بیش از حد محتاط و ملانطقی خواهد بود.

۶. ترجمه به شعر سپید (Blank verse translation)، شعر سپید به دقت بیشتر و درجه بالاتری از ادبی بودن دست می‌یابد، اما ناهنجاری‌های وزنی را بر متن تحمیل می‌کند، که متن ترجمه را با اطناب و دشواری همراه می‌سازد.

۷. ترجمه تفسیری (Interpretation)، تعبیر یا تفسیر، شامل روایت و تقلید، موضوع را تقلید می‌کند تا متن را برای دریافت آسان‌تر کند، اما ممکن است این کار به قیمت لطمه خوردن به ساختار و بافتار حاصل شود.

ترجمه‌های بارکس

همان‌طور که پیشتر عنوان شد، آشنایی بارکس با مولانا هنگامی بود که در سال (۱۹۷۶)، رابرت بلائی دوست بارکس، ترجمه‌های آربری را به وی نشان داد و ضمن ذکر این جمله که این اشعار باید از قفس خود رها شوند، انگیزه اولیه را در بارکس به منظور ترجمه دوباره این اشعار ایجاد نمود. پس از آن بود که بارکس، به ترجمه این اشعار و انتشار آن‌ها همت گمارد.

از سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳، بارکس شروع به ترجمه اشعار مولانا کرد و سرانجام در سال ۱۹۸۴ با همکاری دوستش جواد معین، معروف به جان موین (Moyne john) استاد برجسته دانشگاه نیویورک

یونیورسیتی (University of New York) مجلدي با عنوان راز سرگشاده (Secret open) را منتشر ساخت (رك: حسینی، ۱۳۹۸: ۴).

در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۴، بارکس به کمک جان موبین و رابرت بلاي، حدود یازده جلد از اشعار مولانا، شامل غزلیات، رباعیات و مثنوی را منتشر کرد. در نهایت، ترجمه‌های او از اشعار مولانا به ۲۲ جلد می‌رسد که تاکنون به چاپ رسیده است.

پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده و اغلب رویکردی کلی‌نگر و نقادانه داشته‌اند و به بررسی نمونه‌های محدودی از اشعار پرداخته‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

فرانکلین دین لوئیس (Franklin D. Lewis)، مولوی‌پژوه معاصر آمریکایی، در فصل چهاردهم کتاب خود «مولانا، از دیروز تا امروز، از شرق تا غرب» که در رابطه با مولانا و اندیشه‌های او است، به تفصیل به ترجمه‌ها و روایت‌های انجام شده از آثار مولانا پرداخته و چندصفحه را نیز به کلمن بارکس و ترجمه‌های او اختصاص داده است.

حسن لاهوتی نیز، در مقاله‌ای با عنوان «بارکس و تحریف غزل‌های مولانا»، که در سال ۱۳۹۱ منتشر شد، به انتقاد از بارکس و ترجمه‌های او از اشعار مولانا پرداخته است. او بر این باور است که عدم‌شناخت بارکس از زبان، ادبیات و فرهنگ ایرانی، سبب لغزش او در ترجمه و برداشت اشتباه وی از مفاهیم دینی و عرفانی موجود در این اشعار شده است. لاهوتی، در این مقاله گفته است که بارکس مولانا را از فرهنگ و ادبیات اصیل خود دور کرده و این شاعر بزرگ را با سلیقه مخاطبان آمریکایی و مدرن خود ساخته و پرداخته است. در این مقاله، لاهوتی به بررسی یکی از غزل‌های عرفانی مولانا پرداخته و به مقایسه تطبیقی این غزل با ترجمه انگلیسی بارکس می‌پردازد، لاهوتی معتقد است، بارکس مفاهیم والا و عرفانی این غزل را به کل حذف نموده و با برداشتی اشتباه، ترجمه‌ای مادی و جسمانی از ابیات این غزل ارائه داده است (رك: لاهوتی، ۱۳۹۱: ۶).

در مقاله‌ای دیگر، با عنوان «ترجمه‌های کلمن بارکس از مولوی در آمریکا»، به قلم امید آزادی بوگر و سایمن پتن (Omid Azadibougar & Simon Patton)، با ترجمه مصطفی حسینی که در سال ۱۳۹۷ در فصلنامه مترجم به چاپ رسید، در ابتدا ضمن معرفی کوتاهی از مولانا، روند ترجمه‌های صورت گرفته از اشعار او توسط کلمن بارکس، بررسی شده و در ادامه، به معرفی آثار منتشر شده بارکس و کتاب پرفروش «گزیده اشعار رومی» و همچنین توفیق بارکس در ترجمه این آثار که تا سال ۲۰۱۴، حدود دومیلیون نسخه در سرتاسر جهان به فروش رفته و به بیش از بیست‌وسه زبان زنده دنیا ترجمه شده‌اند، پرداخته شده است (رك: حسینی، ۱۳۹۷: ۲).

همچنین، در مقاله‌ای با عنوان «مولوی پژوهی و مولوی پژوهان در کشورهای انگلیسی زبان» که در حوزه ادبیات تطبیقی و بررسی و اثرپذیری ادیبان، متفکران و مترجمان از آثار ادب پارسی به ویژه آثار مهم مولانا است، نویسنده به بررسی ترجمه‌ها و اقتباس‌های صورت گرفته از آثار ارزشمند فارسی، پرداخته است (رک: تمیم داری، ۱۳۸۷؛ ۱۱).

در مقاله‌ای با عنوان «نقش ترجمه در پذیرش اشعار مولوی با ترجمه کلمن بارکس در آمریکا»، ابتدا به معرفی کوتاهی از روند ترجمه‌های صورت گرفته در آمریکا و اروپا از اشعار مولانا می‌پردازد و در ادامه، ضمن معرفی بارکس، دلایل پذیرش اشعار مولوی در آمریکا را دو دلیل عنوان می‌کند: دلایل خارجی (متن مقصد، مترجم و روح زمانه) و دلایل داخلی (متن مبدأ و نویسنده آن) و سه مورد تاثیرگذار در پذیرش ترجمه این اشعار را نیز، موارد زیر معرفی می‌کند:

الف) مضامین جهان شمول و متعالی،
ب) ایماژهای نامتعارف و نامانوس،
پ) شعر، موسیقی و سماع (رک: حسینی، ۱۳۹۸؛ ۱۳).

در مقاله دیگری تحت عنوان «در صحبت مترجم روشن رأی مولوی؛ کلمن بر این بارکس»، به مولانا و ترجمه‌های اخیر از اشعار او، که توسط کلمن بارکس به زبان انگلیسی و در آمریکا انجام شده است، پرداخته است. نویسنده، ترجمه‌های بارکس را «اقتباس»، «بازسازی» و یا «بازآفرینی» خوانده و گفته در بسیاری از موارد، بارکس مضامین اشعار مولانا را به زبان و با بیانی امروزی باز سروده است (رک: حسینی، ۱۳۹۸؛ ۱۲).

در مقاله‌ای دیگر، با عنوان «بررسی سپهر گفتمان در ترجمه بارکس از اشعار مولانا» که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسید، ابتدا ضمن معرفی کوتاهی از روند ترجمه‌های صورت گرفته در آمریکا و اروپا از اشعار مولانا و معرفی بارکس، به بررسی «سپهر گفتمان» این اشعار و ترجمه‌هایش، پرداخته و در ادامه، تعدادی از اشعار ترجمه شده مولانا را بررسی کرده و در نهایت، نتیجه گرفته که بارکس با کاربرد معادل‌های خنثی، اصطلاحات و واژه‌های عرفانی و اسلامی و قرآنی را در ترجمه حذف نموده است و با حذف بخش عمده‌ای از عناصر سپهر گفتمان مولانا، او را از بافت دینی و عرفانی جدا نموده است (رک: شرفی، هاشمی و فتوحی، ۱۳۹۷؛ ۳).

در مقاله‌ای، با عنوان «قرائت آثار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در غرب»، به بررسی مختصری از قرائت‌های اخیر غرب از مولانا و اشعار او پرداخته شده و در ادامه، به برخی دیگر از ترجمه‌های تازه از اشعار مولانا، همچون ترجمه جاوید مجددی، پرداخته و ویژگی چشمگیر ترجمه مجددی را در این دیده که در عین حال که به لحاظ علمی و ادبی واژگان به طور بسیار دقیق انتخاب شده‌اند، ابیات ترجمه شده در قالب‌های موزون و مقفای شعری قرار گرفته است (رک: محلاتی، ۱۳۸۹؛ ۵).

از گزارش بالا، می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت کار بارکس و ترجمه‌های او به زبان انگلیسی در آمریکا، نه تنها برای مردم آمریکا، بلکه برای محققان دیگر نیز حائز اهمیت بوده است.

اکنون، پس از ذکر پیشینه تحقیق باید گفت، کار ما در این مقاله، به چند سبب، متفاوت از کارهای یاد شده است؛ نخست، این که ما در توجه و تحلیل خویش، تنها به کتاب‌های محدودی که پیش‌تر نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بسنده نکردیم؛ بلکه به تعداد بیشتری از کتاب‌های وی پرداختیم تا با اطمینان بیشتری بتوانیم به بررسی نقاط ضعف و قوت کار او بپردازیم و در این که ترجمه‌های بارکس تا چه اندازه توانسته مولانا تفکر او، فرهنگ اصیل و بستری که از آن برخاسته را به مخاطبان ارائه دهد، داوری منصفانه‌تری داشته باشیم. دیگر این که سخنان خویش را با توجه به الگوی ترجمه‌ی لفور، پیش بردیم تا داوری خویش را در قالب نظریه ترجمه، بیان کرده باشیم.

بحث و بررسی

همان گونه که از عنوان مقاله برمی‌آید، ما در این پژوهش در پی یافتن دلایل محبوبیت ترجمه‌های بارکس از اشعار مولانا بوده‌ایم. به دلیل حجم بسیار اشعار و کتاب‌های مورد بررسی و مدیریت حجم این پژوهش، تعدادی از اشعاری که بیشتر به موضوع مورد بحث مرتبط بود، برای بررسی و تحلیل، گزینش گردید. از آن جایی که سروده‌های مولانا، متفاوت، معتنا به و گاهی طولانی هستند، با توجه به تنگنای فضا، سعی کردیم که دامنه سخن را با گزینه‌گویی آن هم گزینه‌های الگووار، برچینیم. از این رو، نمونه‌های آورده شده بیشتر جنبه‌ی الگویی دارد.

آثاری که در این بررسی، منتخبی از ترجمه‌هایشان را به فراخور موضوع پژوهش، برگزیدیم، بدین

شرح‌اند:

الف) کتاب «باران غیبی» (Unseen rain) که شامل ترجمه رباعیات مولاناست که با همکاری جان موین و کلمن بارکس، در سال ۱۹۸۶، ترجمه و منتشر شد؛ این ترجمه به بابا محی‌الدین، تقدیم شده است.

ب) در سال ۱۹۹۵، کتابی با عنوان «گزیده‌ی اشعار رومی» (The essential Rumi) که منتخبی از اشعار منتشر شده مولانا بود و سبب شهرت بیش‌تر و چشم‌گیر مولانا بود، در آمریکا منتشر شد. نخست، حدود ۱۱۰ نسخه از این کتاب در سه سال پیاپی به فروش رسید؛ اما، در سال‌های بعد، چندین بار تجدید چاپ شد. **پ)** کتاب «دفتر عشق» (The book of love)، که مجموعه‌ای از بهترین شعرهای عاشقانه مولاناست، در سال ۲۰۰۵ روانه بازار گردید.

ت) ترجمه دیگر کلمن بارکس از اشعار مولانا که «یک سال با رومی» (A year with Rumi) نام دارد و در سال ۲۰۰۶ روانه بازار نشر آمریکا شد.

ج) هم‌چنین مجموعه‌ای از اشعار مولانا به تعداد روزهای سال، یعنی ۳۶۵ روز است که امکان خواندن یک شعر در هر روز سال را، برای علاقمندان انگلیسی‌زبان به اشعار مولانا فراهم می‌کند.

چ) هم‌چنین، کتاب «پلی به روح» (A bridge to the soul) که در سال ۲۰۰۷ به طبع رسید و به دوست بارکس، رابرت بلائی تقدیم شده است.

خ) در نهایت، کتاب «شاهکار سرخ» (The big red book) که در سال ۲۰۱۱ منتشر گردید.

نمونه اشعار

بهره‌گیری از نزدیک ساختن زبان شعر به نثر

در موارد متعددی، بارکس مفهوم تعدادی از ابیات را که به مطلب یا داستان خاصی، اشاره دارند، در قالب جمله یا جملاتی کوتاه و به اختصار بیان کرده و این امر، موجب حذف برخی مصراع‌ها و ابیات در ترجمه شده است؛ برای مثال، در داستان «دادخواستن پشه از باد به حضرت سلیمان علیه السلام»، در دفتر سوم مثنوی، که ترجمه آن را از کتاب «یک سال با رومی» برگزیدیم، بارکس تعدادی از ابیات را ترجمه ننموده و به آوردن جمله‌ای کوتاه، به عنوان معادل در ترجمه، اکتفا کرده است. بیت‌های زیر گواه این مدعا، است: «پشه آمد از حدیقه وز گیاه / وز سلیمان گشت پشه دادخواه // کای سلیمان معدلت می‌گستری / بر شیاطین و آدمی‌زاد و پری // مرغ و ماهی در پناه عدل تست / کیست آن گم‌گشته کش فضلت نجست // داد ده ما را که بس زاریم ما / بی نصیب از باغ و گلزاریم ما // مشکلات هر ضعیفی از تو حل / پشه باشد در ضعیفی خود مثل // شهره ما در ضعف و اشکسته‌پری // شهره تو در لطف و مسکین‌پروری // ای تو در اطباق قدرت منتهی / منتهی ما در کمی و بی‌رهی // داد ده ما را ازین غم کن جدا // دست‌گیر ای دست تو دست خدا». (بنگرید به مولوی، دفتر سوم، ۱۳۳۶: ۶۱۲). در شرح قسمت‌هایی از ابیات بالا، شهره بودن پشه در ضعیفی: چنان که در مثل است: «اضعف من بَعُوضَةَ .» و در قرآن کریم است: *إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَّا فَوْقَهَا*: خدا را شرم نباید که مثلی زند به پشه و برتر از آن. (بقره، ۲۶) اشکسته پر در اینجا کنایه از ناتوانی است. گم‌گشته درمانده‌ای است که کسی به او نمی‌نگرد. (چه کسی شکایت به تو آورد و از عدل تو برخوردار نشد). بی‌رهی در اینجا به معنی را به جایی نبردن است. (شهیدی، ۱۳۷۳: ۸۵۲) چنان که می‌بینیم، در همین سروده‌های اندک، انبوهی از گزاره‌های گران، از بلاغت و معنا و عرفان و فلسفه و اخلاق، نهفته است. ضمن، هوش‌مندی مترجم از گزینش این حکایت، ترجمه او چنین روان، ناستالژیک و مختصر، است:

Some gnats came from the grass to speak with Solomon.

"O Solomon, you are the champion of the oppressed. You give justice to the little guys, and they don't get any littler than us! We are tiny metaphors for frailty. Can you defend us?"

(A year with rumi, page 15)

بارکس در ترجمه دوازده بیت بعدی که ما از آوردنش پرهیز کرده‌ایم، تنها به آوردن یک جمله پرسشی اکتفا کرده است:

"Who has mistreated you?"

هم‌چنین، در ترجمهٔ این دو بیت: «گفت پشه داد من از دست باد / کو دو دست ظلم بر ما برگشاد // ما ظلم او به تنگی اندریم / با لب بسته از او خون می‌خوریم» (مولوی، ۱۳۳۶، دفتر سوم، ۱۳۳۶: ۶۱۳) تنها، مصراع نخست بیت اول را ترجمه کرده است:

"Our complaint is against the wind."

این جا، ما شاهد حضور الگوی ترجمهٔ آندره لفور، هستیم. بارکس با ارائهٔ ترجمه‌ای نثرگونه (Poetry into prose)، از فن تعبیر یا تفسیر (Interpretation)، استفاده کرده، تا متن را برای دریافت معنای سنگین شعر، برای مخاطباننش، ساده نماید.

ساده‌کردن اندیشه‌های پیچیده

تطویل سخن مولانا، برای مخاطب ایرانی، از آن‌رو، خسته‌کننده و ملال‌آور، نیست که همهٔ اجزای سخن، به مثابه تداعی معانی، چنان که برای سراینده عمل کرده است، برای مخاطب اهل زبان و فرهنگ، هم عمل کرده است؛ در نتیجه، چهرهٔ مهیب ملال، خودنمایی نمی‌کند؛ در حالی که ترجمهٔ تمام و کمال این شعرها، برای مخاطب انگلیسی‌زبان، در بافت فرهنگ غربی و امریکایی، اثر معکوس دارد؛ از این‌رو، مترجم نه تنها به اختصار شعر پرداخته، سعی کرده سخنان کلیدی متن را که به مثابه تاروپودی، بافت کلی سخن را قوام داده، با مطابقت‌های فرهنگی و مأنوس‌سازی اجتماعی، هضم سخن را آسان گرداند.

در مواردی، بارکس بدون اشاره به برخی تمثیل‌ها، اصطلاحات و واژه‌های خاص موجود در اشعار و با حذف آن‌ها از ترجمه، موضوع را به نحوی متفاوت بیان نموده تا بدین‌سان، مفهوم این ابیات را به شکلی ساده، برای خوانندگان خود بیان کند. در برخی موارد نیز، بارکس قسمت‌هایی را به طور کامل، حذف نموده و بخش‌هایی را نیز، به منظور درک راحت‌تر خوانندگان خود و هم‌چنین، آشکارسازی بهتر مفهوم شعر، به ترجمهٔ خود می‌افزاید. برای مثال، داستان «انکارکردن موسی (ع) بر مناجات شبان» که ترجمه‌اش را از کتاب «دفتر عشق» برگزیدیم، چنان که می‌دانیم، این شعرها در مثنوی دارای واژه‌ها و اصطلاحات خاص، اشارات قرآنی، نکته‌های کنایی و تلمیحی و انبوه دیگری، از نکته‌های بلاغی و گزاره‌های دینی و عرفانی است؛ اما در ترجمهٔ بارکس، همهٔ این‌ها دیده نمی‌شود. روایت، بسیار ساده و مختصر گردیده، استعاره‌های عرفانی و تاریخی، به نسبت زدوده شده و جز کلیدهای اصلی سخن، بقیه حذف گردیده است. (The book of love,

(page 166- MOSES AND THE SHEPHERD

در ترجمهٔ غزل شمارهٔ ۷۲۹ دیوان شمس، «آب حیوان» به (living water) و در شعر «نوبت جستن رسیدن به نوح»، بارکس معادل (water) را برای آن برگزیده است، یعنی بارکس، به فراخور مفهوم هر شعر ترجمه‌ای متفاوت از دو واژهٔ یکسان، انجام داده است. بدین صورت:

«اینک آن خضری که میرآب حیوان گشته بود / زنده را بخشد بقا و مرده را حیوان کند» (بنگرید به مولوی، ج

دوم غزلیات شمس، ۱۳۷۸: ۱۱۰)

در مصراع اول، آب حیوان، اشاره به اکسیر حیات یا آب زندگانی دارد و حیوان در مصراع دوم، به معنی زنده و جاندار می‌باشد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۵: ۱۴۹)

Khidr distributes living water. Animals rise from the dead.

(A bridge to the soul, 118)

در این ترجمه، بارکس ترجمه‌ای نثرگونه (Poetry into prose)، از این شعر ارائه داده است و بنابر الگوی لفور، از فن تعبیر یا تفسیر (Interpretation) استفاده نموده است، همان‌طور که از ترجمه این شعر بر می‌آید، بارکس سعی نموده تا مفهوم شعر را برای دریافت مخاطبان خود آسان‌تر نماید، از این‌رو، بسیاری از واژگان و مفاهیم در ترجمه از بین رفته‌اند. برای مثال:

در بیت دوم و دهم این غزل، مشاهده می‌کنیم که بارکس، ترجمه‌ای نه چندان دقیق و شبیه به شعر اصلی را ارائه داده است:

«اینک آن چوگان سلطانی که در میدان روح // هر یکی گورا به وحدت سالک میدان کند»

The mallet that when it strikes the ball becomes ball and sky and ground is here.

«چونک دریا‌های رحمت جوش کرد / سنگ‌ها هم آب حیوان نوش کرد» (بنگرید به مولوی، دفتر پنجم، ۱۳۳۶: ۹۳۸).

His stones drink in water.

(The book of love, 42)

تصاویر شعر مولانا، از ترکیب و پیوستگی ژرف‌ترین و وسیع‌ترین معانی پدید آمده است. دل مولانا طوماری است «به درازای ازل و ابد» و هجرانش «ابدسوز» است از آنجایی که مخاطب او انسان، انسان کامل و گاه وجود مطلق و ذات بی‌کران «صورت بخش جهان» است، عظمت عناصر سازنده‌ی تصویرهای او، امری طلبی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۵: ۱۹). همان‌طور که در این غزل و دیگر غزلیات او شاهد هستیم که این پیچیدگی، امر ترجمه را دشوارتر می‌نماید.

تأکید بر وجه روایت و حالت داستان‌گونه

هم‌چنین، در مناجات شبان با خدا که مناجات طولانی‌ای و در عین حال متراکم از آگاهی‌ها و روایت‌های کلان عرفانی و اخلاقی است، مترجم با توجه به الگوی آندره لفور، برای درک ساده‌تر مخاطبان انگلیسی زبان، ضمن این که از ترجمه‌ای نثرگونه الگوی لفور، بهره می‌گیرد، سعی کرده است که سخن را در قالب روایت و داستان، آن هم به گونه‌ای که ساختار متفاوتی با روایت و داستان اصلی و کهنش دارد، برای مخاطب دل انگیز سازد.

هم چنین، ترجمه شعر «اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل» از نوع ترجمه نظم به نثر (poetry into prose)، است. در میان اشعاری که به عنوان نمونه، در این بخش بررسی شده‌اند، می‌توان گفت که این شعر، دارای ترجمه‌ای کامل‌تری است و هم‌چون نمونه پیشین، بارکس سعی کرده است تا با روایت نثرگونه از این شعر، منتها روایتی که خطی‌تر و در عین حال، ساده‌تر و واقعی‌تر نمایانده شود، توجه و علاقه مخاطبان را برانگیزد. «پیل اندر خانه تاریک بود / عرضه را آورده بودندش هنود // از برای دیدنش مردم بسی / اندر آن ظلمت همی شد هرکسی» (بنگرید به مولوی، دفتر سوم، ۱۳۳۶؛ ۴۴۵)

"elephant in the dark"

Some Hindus have an elephant to show.

No one here has ever seen an elephant.

They bring it at night to a dark room.

(The essential Rumi, page 252)

معاصرگردانی و برابرسازی

اندیشه‌های دینی و عرفانی، اگرچه قوام و دوامش استوار است و چنین نیست که تحت تأثیر تجدد و نوشدگی فکرها، یکسره بنیادش فرو بریزد؛ با این حال، ضرورت تطبیق و تطابق آن‌ها، با اسلوب‌های تازه زندگی و به اصطلاح فلسفه اجتماعی روز و پارادایم بنیادهای فکری، همیشه احساس می‌شود. این ضرورت، برای بازگردانی مفهوم اندیشه و احساسی از زبانی به زبان دیگر، بیش از پیش احساس می‌شود و مترجم شعر مولانا، این ضرورت را دریافته است.

در ترجمه رباعی ۳۹۵، از دیوان شمس، بارکس مصرع اول بیت نخست و همچنین، مصرع دوم بیت دوم را به گونه‌ای که برای خوانندگان انگلیسی زبان، قابل فهم و دریافته باشد، برگردانده است. رباعی این است: «از کفر و ز اسلام برون صحرائیست / ما را به میان آن فضا سودائیسست // عارف چو بدان رسید سر را بنهد / نه کفر و نه اسلام و نه آنجا جائیست» (بنگرید به مولوی، ج هشتم غزلیات شمس، ۱۳۷۸؛ ۶۷). اینک، ببینیم که مترجم با این رباعی چه کرده، است:

Out beyond ideas of wrongdoing and rightdoing

There is a field, I will meet you there.

When the soul lies down in that grass,

The world is too full to talk about.

Ideas, Language, even the phrase each other

Dose'nt makes any sense.

(The Essential Rumi, page 36)

این ترجمه، نخستین بار در کتاب «راز سرگشاده» (Open Secret) به چاپ رسید و پس از آن در سال ۱۹۹۴، در کتاب «the essential Rumi» تجدید چاپ شد و همان شعری است که بازیگر سرشناس هالیوودی، (بردپیت) (Brad pitt)، آن را بر بازوی خود نوشته است.

در ترجمه این رباعی، بارکس (rightdoing) را معادل «اسلام» و (wrongdoing) را معادل «کفر» آورده که متناسب با گفتمان روز و اندیشه‌های شناخته‌شده بنیادی، در فرهنگ مردم آمریکا است. هم‌چنین، در بیت دوم نیز واژه (soul) را معادلی، برای واژه «عارف» در نظر گرفته، تا جامعه‌ای که ساز و کار زندگی‌شان را، بر گزاره‌های عرفانی، بنا ننهاده‌اند، بیش‌تر بتوانند با آن گفت‌وگو کنند.

بیت دوم نیز، ترجمه‌ای تفسیری دارد که با توجه به الگوی ترجمه آندره لفور، بارکس در این ترجمه، از فن تعبیر یا تفسیر و هم‌چنین، ترجمه نظم به نثر (Poetry into prose)، استفاده کرده است.

هم‌چنین، در رباعی ۳۲۱ دیوان شمس که ترجمه آن را از صفحه ۲۱ کتاب «باران غیبی» برگزیدیم، ترجمه بارکس به راستی قابل توجه است. نخست، اصل رباعی: «دستت دو و پایت دو و چشمت دو رواست / اما دل و معشوق دو باشند خطاست // معشوق بهانه است و معبود خداست / هرکس که دو پنداشت جهود و ترساست» (بنگرید به مولوی، ج هشتم غزلیات شمس، ۱۳۷۸: ۲۹). گزینش این رباعی، خود حاصل ذوقی هنرورانه و هوشیارانه، باید بوده باشد. رباعی‌ای که مضمون کلی‌تر آن، بیرون از باورهای دینی و عرفانی، ناظر بر باورهای صمیمی و روابط اجتماعی افراد است و هم‌چنین، مخاطب را از روبه‌رو شدن با ذهنیتی یک‌دست، غامض، صلب و مرکزگرا و از پیش‌ساخته، دور می‌کند و سفره واقعیتی را در پیش او می‌گشاید که آماده پذیرش هرگونه ساخت‌های ذهنی تازه و در عین حال متفاوت است:

Two hands, two feet, two eyes, good,
as it should be, but no separation
of the Friend and your loving.
Any dividing there
makes other untrue distinctions like "Jew,"
and "Christian," and "Muslim."
Unseen rain, page21)(

در بیت دوم، بارکس واژه «مسلمان» را به جهود و ترسا اضافه نموده و با این کار، تمایز و مرزی، بین ادیان قائل نشده است؛ همین مسئله، نگرش خوانندگان این اشعار در سرتاسر دنیا را، به مولانا، این شاعر بزرگ پارسی، خوش‌بینانه‌تر نموده و این مورد، از دلایل محبوبیت این ترجمه‌ها در اقصی نقاط دنیا، خاصه آمریکا می‌باشد. با توجه به الگوی آندره لفور، در ترجمه این رباعی، بارکس هم‌چنین با ارائه ترجمه‌ای نثرگونه (Poetry into prose)، از فن تفسیر یا تعبیر (Interpretation)، استفاده نموده است.

جای‌گزینی و نمادپردازی

منظور ما از جای‌گزینی، گزینش الگوهای مأنوس است، به جای الگوهایی که ذهن مخاطب، آن را در بافت فکری و فرهنگی خویش، در نمی‌یابد. هم‌چنین، منظور از نمادپردازی، بدل کردن برخی از اصطلاح‌های ویژه شعری است، از زبانی به زبان دیگر که در سروده‌های شاعری، برای فرهنگ و سرزمین خودش، به مثابه شبکه‌ای مرکزی، به ایجاد شبکه‌های فرعی دیگری از معنا و احساس، فعال است. مترجم، با ایجاد نمادهای مأنوس، سعی می‌کند که خاصیت شبکه مرکزی و شبکه‌سازی را در زبان خودش، هم‌چنان فعال نگه دارد.

در ترجمهٔ غزل شمارهٔ ۷۳۸ دیوان شمس که مملو از اسامی خاص و واژگان دشوار است، واژه‌هایی که فهم و درک هر یک، مستلزم پیشینه‌ای ذهنی و آشنایی با فرهنگ و تاریخ زبان فارسی است و همین امر، دریافت شعر را برای خوانندگان انگلیسی‌زبان، با دشواری همراه می‌کند؛ بارکس تلاش نموده تا ترجمه‌ای قابل فهم ارائه دهد. بیت نخستین این غزل: «مطربم سرمست شد انگشت بر رق می‌زند/ پرده عشاق را از دل به رونق می‌زند» (بنگرید به مولوی، ج دیوان شمس، ۱۳۷۸؛ ۱۱۶)؛ بدین صورت، با حذف مصراع دوم ترجمه شده است:

This man holds up a tambourine
and an entire musical mode comes out into the air

(The big red book, page 37)

هم‌چنین، بیت یازدهم این غزل: «هر که نام شمس تبریزی شنید و سجده کرد/ روح او مقبول حضرت شد انا الحق می‌زند» با حذف برخی اصطلاحات و واژه‌ها، چنین ترجمه شده است:

Hallaj here is love's king.

He bows at the name of Shams Tabriz

and says again, I am the truth

در ترجمهٔ این بیت، بارکس، «انا الحق» را معادل واژهٔ «حلاج» قرار داده است. اغلب غزل‌های مولانا، نمونه‌های شگف‌آور و موفق ثبت لحظه‌های زندگی اوست. شعر برای او تجربه است و این تجربه‌ها، هر قدر از حیث عوامل موسیقایی و زبانی و تصویری، متنوع باشند، از وحدتی برخوردارند که ناگزیر، آن را باید «وحدت حال» نامید. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۵: ۲۷).

گزینش و ناگزینش

پای‌بندی به متن اصلی، به ویژه، به اندیشه‌های اصولی و کلیدی، در جای خود و به ویژه، برای ترجمهٔ متن‌های منشور، یکی از شاخصه‌های مطلوب هر ترجمه‌ای است؛ اما، این الگو همه‌جا، چنان که باید و شاید، جواب نمی‌دهد؛ به ویژه در دنیای شعر و خاص‌تر، دنیای شعر مولانا که همیشه با تطویل و اطناب‌های زیبا و البته، تا اندازه‌ای آمیخته با عناصر بومی است، بیش‌تر با خطر نادیده‌گرفته‌شدن روبه‌رو است؛ از این‌رو،

گاهی نیاوردن بخشی از فکر و اندیشه، در کنار پاره‌هایی از سخن که به سبب‌هایی، گزیده و برجسته است، خود، یکی از موجبات شهرت و آوازهٔ متنی است که از زبانی به زبان دیگر، برگردانده شده است. در غزل ۷۳۸ که پیش‌تر، از آن یاد کردیم، بیت‌های آخر از روی عمد حذف شده است.

در این‌گونه ترجمه‌ها، مترجم دریافته که انداختن و حذف بسیاری از مفاهیم، بیت‌ها، مصراع‌ها و حتی بندهای شعر، تنها نفع مخاطب را در بر ندارد؛ بل که بیش‌تر، به سود خود شاعر است. برای خوانندگان غیرفارسی‌زبان که با جزئیات گفته شده در سروده‌ها، اسامی خاص و واژه‌های دشوار، آشنایی ندارند و فاقد پیشینهٔ ذهنی مفاهیم مندرج در شعر هستند؛ آوردن چنین سخنانی، چه سودی خواهد داشت؛ در نتیجه، با نیاوردن و حذف پاره‌هایی از شعر، منتها به گونه‌ای که تشکل زبان و بیان لطمه نبیند، خود هنری است که تنها، به یک مترجم موفق می‌پرازد. این‌که برخی بارکس را، در چنین ترجمه‌هایی یک‌روایت‌گر ساده و تدوین‌کنندهٔ بازنویس، تقلیل داده‌اند، شاید به همین سبب بوده باشد. بارکس در کتاب «شاهکار سرخ» در رابطه با ترجمهٔ اشعار مولانا بیان می‌کند: «من تلاش کردم تا ترجمه‌های دانشگاهی آربری را به شعر آزاد و عوام فهم آمریکایی، هم‌چون اشعار والت ویتمن، ویلیام کارلوس (William Carlos Williams) و گالوی کینل (Galway Kinnell)، برگردانم» (بنگرید به بارکس، ۲۰۱۱، مقدمهٔ کتاب شاهکار سرخ). در نتیجه می‌توان گفت، از آن‌جا که این ترجمه مورد اغلب خوانندگان آمریکایی قرار گرفته و از آن، استقبال بی‌نظیری شده، باری بارکس، به‌درستی راه ترجمهٔ خویش را برگزیده و در این راه موفق هم بوده است.

در شعر «یافتن پادشاه باز را به خانهٔ کم‌پیرزن» که ترجمه‌اش در صفحهٔ ۲۱ کتاب «یک سال با رومی» آمده است، بسیاری از ابیات ترجمه نشده‌اند، بارکس سعی نموده تا مضمون شعر مولانا را به صورت خلاصه ترجمه نماید. بیت‌ها، چنین‌اند: «نه چنان بازیست کو از شه‌گریخت / سوی آن کمپیر کو می‌آرد بیخت // تا که تتماجی پزد اولاد را / دید آن باز خوش خوش‌زاد را // پایکش بست و پرش کوتاه کرد / ناخنش ببرید و قوتش گاه کرد // گفت نااهلان نکردندت بساز / پر فزود از حد و ناخن شد دراز» (بنگرید به مولوی، دفتر دوم، ۱۳۳۶: ۲۱۶) در ابیاتی که ذکر شد، سخن از علم باطن بود که درون روشن و دل سوخته و مشتاق باید، تا آن علم بدان درآید و اگر نااهل به سراغ او رود، از او روی بگرداند. اکنون چنان‌که عادت اوست، این را در قالب حکایتی آورده است. حاصل آن اینکه، اگر نااهل را علمی که درخور آن نیست، به دست آید، در نابجایش کار نماید و پندارد که حق آن علم را گزارد. چنان‌که پیرزن، بال و ناخن باز را برید. (شهیدی، ۱۳۷۳: ۲۲۶)

The old woman and the falcon"

When you give a noble falcon

To a fussy old woman who knows nothing of falconry,

She will clip his wings short, for its own good.

)A year with Rumi, page21 - "(

این جا، نیز، هم‌چنین، طبق الگوی ترجمه شعر آندره لفور، بارکس با ارائه ترجمه‌ای نثرگونه، از فن تعبیر یا تفسیر، استفاده کرده است.

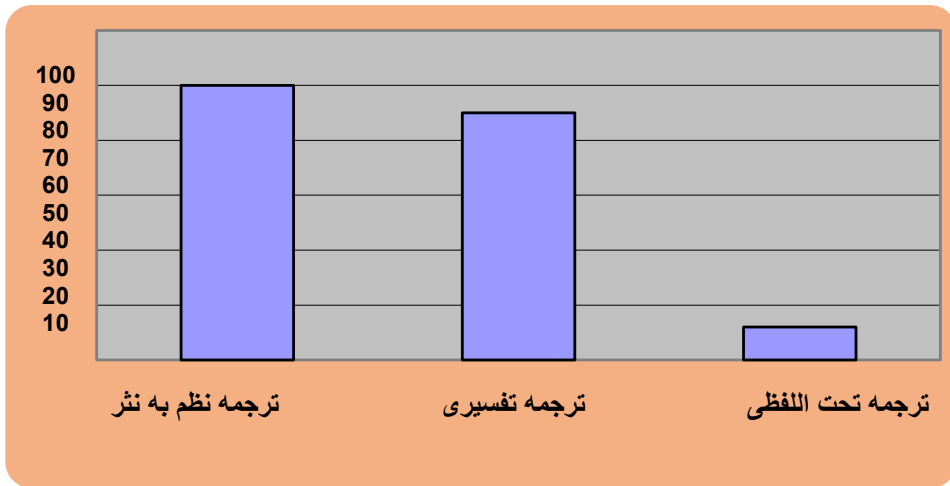
یافته‌ها

با کمک نظریه «هفت فن لفور» که در کتاب «ترجمه شعر: هفت راهبرد و یک طرح» به معرفی الگوهای برای ترجمه شعر می‌پردازد و با توجه به مواردی که به عنوان نمونه، ذیل شش الگوی:

۱. جای‌گزینی و نمادپردازی، ۲. تأکید بر وجه روایت و حالت داستان‌گونه‌گی، ۳. ساده‌کردن اندیشه‌های پیچیده، ۴. بهره‌گیری از نزدیک‌ساختن زبان شعر، به نثر، ۵. معاصرگردانی و برابرسازی و ۶. گزینش و ناگزینش بررسی شدند، این نتیجه حاصل شد که بارکس، در فرآیند ترجمه اشعار مولانا از الگوهای تعبیر (interpretation)، ترجمه نظم به نثر (Poetry into prose) و در موارد اندکی، از ترجمه تحت‌اللفظی (Literal translation) استفاده کرده است که در این بین، سبب حذف بسیاری از ابیات، مصراع‌ها، واژگان و اصطلاحات خاص شده و یا به تغییر معنا و مفهوم کلی شعر انجامیده است. طبق گفته کلمن بارکس، در مقدمه کتاب «باران غیبی» او خود به این موضوع اعتراف دارد که این سبک از ترجمه را به منظور ارتباط بهتر خوانندگان امروزی با اشعار مولانا، برگزیده است که باید گفت، در این مسیر موفق بوده و اشعار مولانا، این شاعر بزرگ مسلمان شرقی را، در صدر پرفروش‌ترین کتاب‌های شعر در آمریکا قرار داده است.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به دلیل بالا بودن تعداد اشعار کتاب‌های مورد بررسی و مدیریت حجم این نوشتار، تنها تعدادی از اشعار مورد بررسی را که بیشتر به موضوع این پژوهش، مرتبط بوده است، به عنوان نمونه، انتخاب و در این قسمت ذکر نمودیم؛ در نهایت، نتیجه‌ای که از بازبینی همه اشعار مورد بررسی و نه تنها اشعار ذکر شده در این مقاله، برآمد، به شرح زیر می‌باشد:

٪۱۰۰	ترجمه نظم به نثر (Poetry into Prose)
٪۹۰	ترجمه تفسیری (Interpretation)
٪۱۲	ترجمه تحت‌اللفظی (Literal translation)



نمودار ۱. درصدی میزان استفاده بارکس از الگوهای ترجمه لفور

نتیجه‌گیری

طبق بررسی صورت گرفته بر ترجمه‌های بارکس، مترجم به دلیل ناآشنا بودن با فرهنگ، ادبیات و زبان مبدأ، در شناساندن مفاهیم اصیل فرهنگی، مذهبی و دینی نهفته در اشعار مولانا به مخاطبانش، با اندکی چالش مواجه شده است و در نتیجه، برگردان وی در فرآیند ترجمه، با اصل اشعار تا حدی، متفاوت می‌باشد. طبق الگوی آندره لفور، نظریه پرداز حوزه ترجمه، همان طور که پیش تر نیز بیان شد، بارکس علاوه بر ارائه ترجمه‌ای نظم به نثر (Poetry into prose)، در تمام اشعار مورد بررسی، از الگوی «تعبیر» یا «تفسیر» (Interpretation) نیز استفاده کرده است و در موارد اندکی، ترجمه‌ای «تحت اللفظی» (Literal translation) را انجام داده است. همان طور که در ترجمه‌های بارکس بررسی نمودیم، با وجود ساختار و سبک ساده و عوام‌پسند این ترجمه‌ها، طنین شاعرانه، آرایه‌ها و اصطلاحات ادبی و خاصه اصطلاحات دینی و مذهبی این اشعار، حذف و یا کمرنگ شده‌اند.

از دلایل پذیرش این اشعار و محبوبیت این ترجمه‌ها در آمریکا، می‌توان، احساس خلأ جامعه مقصد و نیاز خوانندگان آمریکایی به چنین مضامین و مفاهیم بی مرز و جهان شمولی را مطرح نمود که گرچه قرن‌ها از سرایش این اشعار می‌گذرد، اما هنوز هم، مفاهیم نهفته در این اشعار، برای خوانندگان امروزی در سرتاسر جهان، جذاب و خواندنی است. کلمن بارکس در کنفرانسی که در سال ۱۹۹۶ در آمریکا، به منظور آشنایی با فرهنگ جهان اسلام برگزار شد، خود بیان کرد که به عنوان استاد شعر و ادب انگلیسی و پس از سال‌ها تدریس در این رشته، دچار کمبود مضامینی تازه و بکر شده و از این روی به مولانا و اشعار بکر و جهان شمول او روی آورده است؛ بنابراین، دلیل دیگر محبوبیت و شهرت بارکس در این زمینه را می‌توان به انتخاب دقیق

و هوشمندانه او، یعنی «مولانا» وابسته، دانست؛ از آن جایی که بارکس خود نیز شاعر است و به نیاز خوانندگان و علاقه اکثریت مخاطبین خود اشراف دارد، اشعار شاعر نابغه‌ای را برای ترجمه و انتقال به مخاطبان خود انتخاب نموده است و در ادامه، شیوه و سبکی که او برای ترجمه این اشعار برگزید، یعنی سبکی نوین، مطابق با سلیقه خوانندگان عام، سبکی که شاعران مدرن آمریکایی، چون «والت ویتمن»، بنیان‌گذار شعر آزاد در آمریکا، از آن بهره می‌بردند.

همان‌طور که اشاره شد، دلایل محبوبیت و پذیرش این اشعار را می‌توانیم در سه مورد، بازنمایی کنیم:

۱. نیاز جامعه و خوانندگان امروزی آمریکایی، به مفاهیمی انسانی و جهان‌شمول و بی‌مرزی که در شعر مولانا، به عنوان عرفان، خود را نشان داده است.
۲. انتخاب هوشمندانه بارکس، مولانا را از میان دیگر شاعران شرقی، از آن‌رو که در شعر مولانا، تموج مضمون‌ها و اندیشه‌ها، عمیق و حیرت‌آور است و قابلیت فروکاسته شدن به پارادایم‌های امروزی را دارد.
۳. سبک مورد استفاده او در ترجمه این اشعار که همان سبک آزاد شعر آمریکایی است، با توجه به الگوی ترجمه آندره لفور.

بدین‌روی، کلمن بارکس اشعار مولانا را در قالبی مدرن و باب سلیقه خوانندگان امروزی خود، درآورده و به مردم آمریکا، عرضه کرده است. وی اشعار مقفی مولانا را (رباعیات، غزلیات و مثنوی) به صورت شعر آزاد ترجمه کرد که تفاوت عمده کار او با سایر مترجمانی که تاکنون به ترجمه این اشعار پرداخته‌اند را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

۱. عوام‌پسند بودن این ترجمه‌ها

۲. سبک و بیان بدیع کلمن بارکس در ترجمه این اشعار

اما در نهایت، باید ارزش کار کلمن بارکس، در شناساندن مولانا به دنیا را مدنظر قرار داد؛ تا جایی که تمامی اقشار جامعه، با هر سطح بینشی، از خواندن این اشعار لذت برده و با پیام نهفته در آن، هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و همین امر سبب شناساندن نام رومی به جهانیان گشته است. تا جایی که خوانندگان مطرح دنیا اشعار مولانا را زمزمه می‌کنند، در صفحات اجتماعی به بازنشر این اشعار می‌پردازند، کتاب‌های او برای چندمین بار، به زبان‌های زنده دنیا ترجمه می‌شوند و اکنون، نام رومی در سرتاسر جهان شناخته شده است. سرانجام، اگرچه ترجمه‌های بارکس از اشعار مولانا، با تغییرات محسوسی همراه بوده است، اما بارکس، توانسته است مولانا را در دوران پسامدرن با نامی امروزی و به‌شکلی نوین احیا کند. می‌توان چنین تصور نمود که بارکس، با ارائه تصویری عام و همه‌پسند از اسلام در غرب، آن‌هم در زمانی که بدگمانی‌ها به اوج خود رسیده است، چشم‌اندازی روشن از دیار شرق و دین اسلام را پیش‌روی جهانیان گشوده است و مولانا را از مرزهای تاریخ و جغرافیا عبور داده و به نیکی به جهانیان، شناسانده است.

منابع

آزادی بوگر، پتن. ۱۳۹۷، ترجمه‌های کلمن بارکس از مولوی در آمریکا، م. حسینی (مترجم)، فصلنامه مترجم.

- امیری، زهرا. ۱۳۹۴، *باخته‌ها و یافته‌های ترجمه، کلمن بارکس*، دانشگاه بروجرد.
- تمیم داری، احمد. ۱۳۸۷، «مولوی‌پژوهی و مولوی‌پژوهان در کشورهای انگلیسی زبان»، فصلنامه پژوهش زبان و ادب فارسی، شماره ۱۰، صص ۴۰-۱۹.
- وادی، حسن. ۱۳۹۳، تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات انگلیسی، کالیفرنیا، انتشارات مزدا.
- حری، ابوالفضل. ۱۳۸۹، «غراب‌زدایی: معضل ترجمه رومی - آمریکایی بارکس»، مطالعات ترجمه، سال هشتم، شماره سی و دوم.
- حسینی، مصطفی، ۱۳۹۶، «زندگینامه خودنوشت آربری»، نشریه مطالعات ایرانی و نقد کتاب، سال دوم، شماره دوم.
- حسینی، مصطفی. ۱۳۹۸، «در صحبت مترجم روشن رأی کلمن براین بارکس»، مجله بخارا، شماره ۱۳۳.
- حسینی، مصطفی. ۱۳۹۸، «نقش ترجمه در پذیرش اشعار مولوی ترجمه کلمن بارکس در آمریکا». نقد ادبی، ۱۲.
- خان جان، علیرضا. ۱۳۹۴، «روایت‌شناسی ترجمه: گذشته و حال»، دست‌آوردهای مطالعات ترجمه، سال بیست‌وسوم، شماره پنجاه و پنجم.
- دین لوییس، فرانکلین. ۱۳۸۴، *مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب*، نشر نامک، چاپ پنجم.
- شریفی، احمد. ۱۳۹۶، ترجمه به مثابه بازنویسی: مطالعه ترجمه‌های کلمن بارکس از آثار مولانا، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریفی، هاشمی. ۱۳۹۶، «تصویر مولانا در آمریکا، مطالعه موردی رومی اصل اثر کلمن بارکس»، سومین همایش متن پژوهی ادبی.
- شریفی، هاشمی، فتوحی رودمعجنی. ۱۳۹۷، «بررسی سپهرگفتمان در ترجمه بارکس از اشعار مثنوی مولانا»، مطالعات زبان و ترجمه، سال پنجاه و یکم، شماره یکم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۶۵، «گزیده غزلیات شمس»، تهران: انتشارات سخن پارسی، چاپ ششم.
- شهیدی، جعفر. ۱۳۷۳، «شرح کامل مثنوی»، جلد ۱-۷. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- گنتزler، ادوین. ۱۳۸۰، *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*، صلح جو، علی. (مترجم). نشر هرمس، چاپ اول.
- لاهوئی، حسن. ۱۳۹۱، «بارکس و تحریف غزل‌های مولانا»، بخارا، سال پانزدهم، شماره ۸۸-۸۹، (صص ۶۶۳-۶۷۴).
- محمدی، علی. ۱۳۹۲، *چکیده و تحلیل مثنوی: نشر صدای معاصر*.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۳۶، *مثنوی معنوی*، دوره کامل. تصحیح رینولد البین نیکلسون. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۷۸، *کلیات شمس*، جلد ۱-۱۰. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Amiri, Zahra. 2014, *Losses and Findings of Translation*, Coleman Barks, Borujerd University.
- Azadi Boger, Pat. 2017, translations by Coleman Barks of Rumi in America, M. Hosseini (translator), Translator quarterly.
- Azadibougat. Patton, S. 2015, *Coleman Barks' Versions of Rumi in the USA*. Translation and Literature.
- Barks, C. 1995, *The essential Rumi*, HarperCollins publisher.
- Barks, C. 1986, *Unseen rain*, HarperCollins publisher.
- Barks, C. 2005, *The book of love*, HarperCollins publisher.
- Barks, C. 2006, *A year with Rumi*, HarperCollins publisher.
- Barks, C. 2007, *A bridge to the soul*, HarperCollins publisher.
- Barks, C. 2011, *The big red book*, HarperCollins publisher.
- Barks, C. Moyne, j. 2004, *The drowned book*, HarperCollins publisher. -
- Gentzler, Edwin. 1380, *Theories of translation in the present era*, Peaceful, Ali. (Translator). Hermes publication, first edition.

- Hori, Abufazl. 1389, **De-alienation: the dilemma of Barks' Roman-American translation**, Translation Studies, 8th year, 32nd issue.
- Hosseini, Mostafa, 2016, **Autobiography of Arbury, Iranian Studies and Book Criticism**, 2nd year, 2nd issue.
- Hosseini, Mostafa. 2018, **in the speech of the Roshan Rayi translator, Coleman Barks**, Bukhara Magazine, No. 133.
- Hosseini, Mostafa. 2018, **The role of translation in the acceptance of Molavi's poems translated by Coleman Barks in America**. Literary criticism, 12.
- Khan Jan, Alireza. 2014, **Translation narratology: past and present, achievements of translation studies**, 22nd year, 55th issue.
- Lahoti, Hassan. 1391, **Barks and Tharif Ghazals of Rumi, Bukhara, 15th year**, No. 88-89, (pp. 663-674).
- Lefevere, A 1992, **Translating Literature: Practice and Theory in a Comparative Literature Framework**. New York: MLA,
- Lefevere, A. 1975, **Translating Poetry: Seven Strategies and a Blueprint**. Amsterdam: Van Gorcum.
- Lefevere, A. 2016, **Translating literature: Practice and theory in a comparative literature context**. Modern Language Association of America.
- Lewis, Franklin. 1384, **Rumi Past and Present, East and West**, Namek Publishing House, fifth edition.
- Mohammadi, Ali. 2012, **Abstract and analysis of Masnavi: Contemporary Voice Publishing**.
- Molavi, Jalaluddin Mohammad. 1378, **Koliyat Shams, Volumes 1-10. Bade o Zaman Farozanfar's correction**. fourth Edition. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Molavi, Jalaluddin Mohammad. 1336, **Masnavi Manavi, complete course. Reynold Alleyne Nicholson's correction**. First Edition. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Sharifi, Ahmed. 2016, **Translation as rewriting: a study of Coleman Barks' translations of Rumi's works**, Ferdowsi University of Mashhad.
- Sharifi, Hashemi, Fatuhi Roudmajni. 2017, **The study of Sepehr Gahdman in Barks's translation of Maulana's Masnavi poems, Language and Translation Studies**, 51st year, 1st issue.
- Sharifi, Hashemi. 2016, **The image of Rumi in America, a Roman case study, the original by Coleman Barks**, the third conference on literary research.
- Shafie kadkani, Mohammadreza. 1365, **"Excerpt of Ghazaliat Shams"**, Tehran: Sokhane Parsi Publications.
- Shahidi, Jafar. 1373, **"Complete explanation of Masnavi"**, vol. 1-7. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Tamim Dari, Ahmed. 1387, **Moulavi-Researchers and Moulavi-Researchers in English Language**, Persian Language and Literature Research Quarterly, 10, pp. 19-40.
- Wadi, Hassan. 2013, **The influence of Persian literature on English literature**, California, Mazda Publications.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: محمدی علی، سعیدی فاطمه، بررسی دلایل موفقیت ترجمه‌های کلمن بارکس در آمریکا از آثار مولوی و ارتباط معنوی آن ترجمه‌ها با متن اصلی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۹۳-۱۱۲.